

آشنایی با مبانی ترکیب‌بندی و زبان تصویری عکس

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود:

- با اصول و مبانی زیبایی‌شناسی عکس و تصویر آشنا شود.
- کاربرد اصول و مبانی زیبایی‌شناسی را در عکسبرداری بداند.
- انواع ترکیب‌بندی در عکاسی را بشناسد.
- کیفیت نور در عکس را بشناسد.
- با جهت نور در عکس آشنا شود.
- با رنگ مایه‌ها و کنتراست در عکاسی آشنا شود.
- پرتره‌های Highkey و Lowkey را بشناسد.
- با عنصر بافت در عکاسی آشنا شود.
- عنصر خط و انواع آن را در عکس‌ها بشناسد و توضیح دهد.
- عنصر طرح نقش (pattern) را در عکس توضیح دهد.
- عنصر شکل (shape) در عکس را توضیح دهد.
- با توجه به آموخته‌های خود از عناصر بصری و ترکیب‌بندی، عکسبرداری کند.

مبانی زیبایی‌شناسی عکس

هر اثر هنری دارای دو بخش است: فرم و محتوا. فرم همان چیزی است که به وسیله حواس ما قابل دریافت است. یک قطعه موسیقی را با گوش می‌شنویم، نقاشی و عکس را با چشم می‌بینیم و مجسمه را می‌توانیم هم ببینیم و هم لمس کنیم. اما محتوا، درونمایه یک اثر هنری است، محتوا، اندیشه و پیامی است که در اثر وجود دارد. هر یک از این دو بخش دارای پیچیدگی‌های فراوانی هستند و کتاب‌های زیادی در مورد آنها نوشته شده است.

شکل یا فرم یک اثر هنری باید دارای ویژگی‌هایی باشد که بتواند محتوا و مفهوم اثر را به مخاطب منتقل کند و بدون رعایت آنها ممکن است اثر خلق شده رابطه مناسبی با مخاطب برقرار نکرده و پیام اثر منتقل نشود. عکاسی نیز به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنرهای تجسمی از اصول مشترکی پیروی می‌کند.

اگر خوب به تصاویر و عکس‌ها نگاه کنیم، می‌بینیم که می‌توانیم آنها را به اجزاء کوچکتر (عناصر بصری) تجزیه کنیم، به عنوان مثال، نقطه، خط، سطح، تاریک و روشن، بافت، رنگ و ... به عبارت دیگر همه تصاویر از این عناصر اصلی تشکیل شده‌اند، پس باید آنها را خوب بشناسیم و برای تهیه عکس‌های بهتر از آنها استفاده کنیم.

یک عکس زمانی بیشترین تأثیر را خواهد داشت که از ترکیب‌بندی مناسبی برخوردار باشد. چیزهای زیادی باید فراگیرید تا بتوانید عکسی با ترکیب‌بندی موفق ارائه نمایید. این کار جز با سعی و کوشش و تکرار به انجام نمی‌رسد.

مهم‌ترین نکته هماهنگی بین فرم و محتواست، برای رسیدن به این هماهنگی ممکن است راه‌های فراوانی وجود داشته باشد. در بسیاری از موارد رعایت اصول و قوانین رایج تصویر، بهترین نتیجه را دربر دارد، اما گاهی می‌بینیم که اساتید بزرگ پس از سال‌ها کار با تسلطی که به عوامل تصویر پیدا می‌کنند قوانین تازه‌ای می‌آفرینند که به بیان بهتر کمک می‌کند.

سعی کنید ابتدا اصول را بیاموزید، بدون دانستن قواعد گذشته، نوآوری معنایی ندارد. عکاسی فیلمی و دیجیتال^۱ با وجود تفاوت‌هایی که در شیوه ثبت تصویر دارند، از روش و اصول

مبانی زیبایی‌شناسی (نقطه، خط، سطح، بافت، ریتم، رنگ و ...) یکسان پیروی می‌کنند. خط‌ها، معمولاً از دیگر عناصر بصری ارزش بیشتری دارند و در محل برخورد و حذف‌ها تاریک - روشن و یا رنگ‌های متضاد یا رنگ‌هایی که تفاوت چشمگیری دارند، خطوط واضحی دیده می‌شود و تصاویر، موجودیت خود را مدیون آشکارترین خطوطی هستند که گاهی با طول، زمانی با قدرت و قوت و گاهی با تعداد خود به مؤثرترین شکل در ترکیب‌بندی آنها شرکت می‌کنند و خط‌های کوتاه، محو، کمرنگ، نمی‌توانند سبب جلب توجه شوند.

خطوط افقی، آرام‌بخش بوده و کمتر به چشم می‌خورند و فعالیت زیادی از آنها احساس نمی‌شود. اگر تصویری دارای چندین خط افقی باشد، از این آرامش، سنگینی و یکنواختی احساس می‌شود. و هنگامی که این خطوط در قسمت بالای تصویر جمع شده باشد، سنگینی فوق‌العاده‌ای به آن خواهد بخشید.

گیاهان در جهت نور خورشید رشد می‌کنند؛ انسان به هنگام قدرت‌نمایی و ابراز برتری قد عَلم می‌کند؛ اجسام عمودی ساکن و بی‌حرکت، حس تعادل، استحکام و استواری را نمایش می‌دهند. این مشاهدات، ما را به پذیرفتن خط قائم به عنوان نماد قدرت، استحکام، صلابت و استواری هدایت می‌کند.

می‌توان گفت که دو خط افقی و عمودی، ساختار بصری و استخوان‌بندی تصویر را می‌سازند و به کمک خط مایل، نیرو و تحرک ویژه و مطبوعی کسب می‌کنند.

در ترکیب‌بندی عکس، از بی‌نظمی و اغتشاش بصری باید دوری جست و فراموش نکرد که در بیشتر موارد، زیبایی در سادگی است. موضوعی که برای عکاسی در نظر گرفته می‌شود، از فرم‌ها و خطوطی تشکیل شده که در میان آنها تعداد کمی با یکدیگر تناسب و ارتباط هماهنگی نسبت به کل ترکیب‌بندی را دارند و در نتیجه هر عکس تصادفی که بدون دخالت ذوق و فکر گرفته شود، از جنبه تناسبات هماهنگ و نظام و تعادل بصری، دارای وضعیت مطلوبی نیست.

افزون بر آن چه اشاره شد، تمام نکته‌هایی که در مبانی هنرهای تجسمی مطرح هستند، در عکاسی نیز قابل استفاده هستند که در کلیت بیان بصری عکس و ترکیب‌بندی عناصر آن باید مورد توجه قرار گیرند. در ادامه این درس، به نکات آموزشی مفید در مورد ساختار بصری عکس؛ همراه با تصاویر عکس‌های مرتبط اشاره می‌کنیم.

زبان تصویری عکس

نقطه دید و نوردهی^۱: دو روش آسانی که می‌توانید از طریق آن، ترکیب‌بندی تصویر را کنترل کنید، قرار دادن دوباره موضوع در درون قاب منظره‌یاب و تغییر دادن نقطه دید دوربین است. در تصویر، موضوع در قابی مستطیل (یا مربع) محدود شده است و این شکلی است که به دوربین بستگی پیدا می‌کند. قاب یا کادر یکی از عناصر مهم تصویر است. به‌طور مثال قاب می‌تواند بخش‌هایی از تصویر را به‌سادگی حذف کند و تصویری کاملاً جدید ارائه دهد. چه دوربین را افقی بگیرید یا عمودی، در هر حال قاب مستطیل شکل از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و توجه را جلب می‌کند. (تصویر ۴-۱)

بسیاری از دوربین‌ها هنگام استفاده در مقابل چشم و هم ارتفاع با آن قرار می‌گیرند، یعنی همان ارتفاعی که ما از طریق آن، جهان را می‌بینیم و بسیاری از تصاویر نیز از همین سطح و ارتفاع گرفته می‌شوند. اما عکاسی از سطح و زاویه‌ای متفاوت در بیشتر مواقع به تصویر، شور و هیجان اضافه می‌کند و گاه ظاهری متفاوت و غیرطبیعی به سوژه می‌بخشد.

تقارن: سوژه‌های بالا و پایین عکس به واسطه قاب تصویر، به‌طرز متقارنی درون تصویر قرار می‌گیرند. ترکیب‌بندی متقارن نتیجه متعادل و متوازنی را ارائه می‌دهد اما اگر به تنهایی مورد استفاده قرار گیرد، باعث یکنواختی می‌شود. عناصر غیرمنظم تصویر را از قالب رسمی و خشک درآورده و به آن جذابیت می‌بخشد.



تصویر ۴-۱

قاب تصویر: شکل بیشتر تصاویر، مستطیل است. همان قاب ۳۵ میلی متری^۱ که نسبت آن ۲ به ۳ است. انتخاب این که دوربین را عمودی نگه دارید یا افقی، تأثیر بسیاری بر تصویر نهایی تان دارد.

توازن و تنوع

در تصویر ۲-۴ میله‌های پنجره طوری قرار گرفته‌اند که تصویر اصلی را به ۴ قسمت مختلف تقسیم کرده‌اند. این ترکیب‌بندی نامنظم است ولی متوازن و متعادل می‌باشد که به واسطه گل‌ها و چفت پنجره ایجاد شده است. هر کدام از این ۴ قسمت یا کادر، تفاوت‌های ساده متفاوتی در سایز و شکل دارند که تنوع و جذابیت ایجاد کرده‌اند.



تصویر ۲-۴

نقطه دید بالا

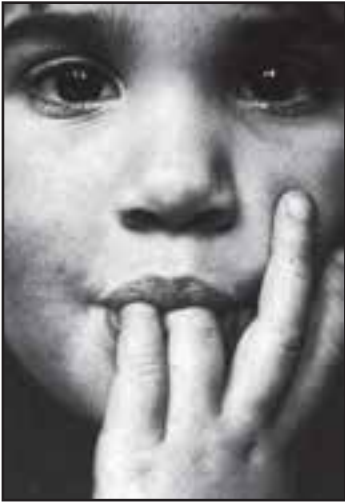
نقطه دیدی که برای تصویر ۳-۴ در نظر گرفته شده، آسمان را از تصویر حذف کرده و کل قاب را با سطح بافت دارِ چمن پر کرده است. از آنجا که در این وضعیت، مرد به سرعت قابل تشخیص نیست، فرم انتزاعی او، بخشی از طرح دوبعدی تصویر به حساب می‌آید.

برخلاف پیش‌زمینه ساده و صاف تصویر، موقعیت قرارگیری موضوع اصلی حساس است. مرد در اینجا در مرکز نبوده اما به موازات لبه‌های کادر در حرکت است که همین به تصویر جذابیت و توازن بخشیده است.



تصویر ۳-۴

نمای نزدیک



تصویر ۴-۴

پرتره تصویر ۴-۴ تأثیر پر قدرتی را نشان می‌دهد که از طریق پر کردن تمام کادر تصویر از سوژه مورد نظر به دست می‌آید. با این که سرِ بچه به واسطه نمای درشت، حذف شده است اما اجزای اصلی صورتش کاملاً وجود دارند. قانون مشخصی برای گرفتن عکس پرتره وجود ندارد. این وضعیت باید برحسب موضوع مورد نظر انتخاب شود. گاهی شما می‌خواهید که اطراف سوژه یا اشیایی که در ارتباط با او وجود دارد را در تصویر خود بیاورید. این کار به دادن اطلاعات در مورد موضوع کمک کرده و در آن ایجاد حس می‌کند.

نقطه دید پایین

شکل تغییر یافته تصویر ۴-۵ به خاطر نقطه دید پایین دورین است که به طرز شدیدی به ترسناک بودن سربازان مسلح افزوده است. نقطه دید هم سطح چشم باعث می‌شد هر کدام از سربازها به عنوان یک شخصیت قابل تشخیص نشان داده شود. این انتخاب کادر، سربازان را غیر قابل تشخیص کرده و بر روی پوتین‌ها و اسلحه‌هایشان تأکید کرده است.



تصویر ۴-۵

کیفیت نور (lighting quality)

نور، عنصر اصلی عکاس است. میزان نور نشان می‌دهد که موضوع اصلاً می‌تواند ثبت شود یا خیر و کیفیت و جهت نور، ظاهر موضوع را کنترل کرده و باعث تغییر آن می‌شود. بنابراین، برای ساخت یک تصویر خوب، باید نسبت به تغییرات نور و این که چگونه این تغییرات باعث تغییر موضوع و اطرافش می‌شوند آگاه باشید. از نور می‌توان برای ایجاد حس، مورد توجه قرار دادن یک محل، اصلاح یا تغییر اشکال و خلق فرم و بافت در تصویر استفاده کرد.

گاهی می‌توانید نور دلخواهی را که با موضوع موردنظر تان هماهنگی دارد با صبر کردن برای شرایط خاص آب و هوایی یا ساعات‌های مختلف روز به دست آورید. در مواقع دیگر، مجبورید از نور موجود، بهترین استفاده را ببرید.

نور خورشید در یک روز صاف و تمیز، شدید و تند است. لبه سایه‌ها کاملاً واضح بوده و به شدت تیره هستند به طوری که گاهی بیشتر از سوژه اصلی در تصویر دیده می‌شوند.

نور تند و شدید برای ایجاد بافت و فرم بسیار عالی و مناسب است، همچنین برای ایجاد طرح‌های جذاب. اما در عین حال می‌تواند جزئیات را حذف کرده و سطوح را به مناطقی هموار از سایه و روشن تبدیل کند. فرایند کامل عکاسی (از نوردهی تا چاپ) همیشه بر روی افزایش کنتراست بین نور و سایه تأثیر می‌گذارد بنابراین باید مراقب باشید زمانی که نور بسیار شدید و تیز است، تصویر نهایی تان بسیار پُرکنتراست نشود.

در مقابل، نور بیرون زمانی که مه گرفته یا غبارآلود است و یا وقتی آسمان ابری است، نور نرمی است. لبه سایه‌ها کاملاً مشخص نیست و آنها دیگر ذاتاً عناصر غالب در تصویر نیستند. کنتراست پایین به شما کمک می‌کند که به اشیاء فرم و شکل کروی ببخشید. این نور اغلب برای سوژه‌هایی مناسب است که عناصر ظریف و پیچیده‌ای دارند و گرنه با سایه‌های کوچک اشتباه گرفته شده و مبهم جلوه می‌کنند.

میزان کنتراست می‌تواند در فرایند عکاسی یا در مرحله ویرایش تصویر در رایانه کم یا زیاد شود.

نور تیز و شدید (Hard light): نور شدید زمانی به دست می‌آید که شما منبع نور نسبتاً متراکم و به هم فشرده‌ای دارید. به نواحی پشت اشیاء نوری نمی‌رسد بنابراین سایه‌های تندی را خلق می‌کند. منابع نور شدید شامل نور خورشید (که به نسبت در آسمان کوچک به نظر می‌رسد) و لامپ‌های فلاش هستند. (تصویر ۶-۴)

نور نرم (Soft light): نور زمانی نرم می‌شود که پراکنده باشد و شاید این نرمی در نتیجه نوری به‌وجود می‌آید که از ابرها عبور می‌کند یا زمانی که نور از سطحی منعکس می‌شود. نتیجه، نوری است، که پخش شده و مناطق سایه‌ای تولید می‌کند که کمرنگ بوده و لبه‌های نرمی دارند. (تصویر ۴-۷)



تصویر ۴-۷



تصویر ۴-۶

نور شدید بعداز ظهر: منظره تصویر ۴-۸ نشان می‌دهد چگونه نور شدید می‌تواند بر اشکال ساده تصویر تأکید کند. پرتوهای شدید نور بعداز ظهر، بافتی قوی را بر روی دیوارهای دهکده ایجاد کرده، باعث شدند فرم آنها تحلیل رفته و به صورت سیلوئت یا ضدنور دربیاید. همچنین خطوط و اشکالی جذاب در کنار سایه‌ها ایجاد کرده‌اند. میزان نوردهی از دیوار سفید محاسبه شده تا بیشترین جزئیات سنگ‌ها مشخص شده و مناطق سایه را به سیاه مطلق تبدیل کند.

نور نرم و پخش: پرتو تصویر ۴-۹ در نور روز و آسمان ابری عکاسی شده است و نشان می‌دهد چگونه فرم و جزئیات به واسطه نور پخش شده، ایجاد شده‌اند. روزهای ابری و تاریک اغلب برای عکاسی از سوژه‌هایی مناسبند که می‌خواهید بیشترین میزان جزئیات را در آنها بگنجانید. نورسنجی از محلی نزدیک به صورت دخترک انجام شده است.



تصویر ۴-۸



تصویر ۴-۹

جهت نور

جهت نور و کیفیت آن بر میزان کنتراست سوژه (تفاوت بین مناطق روشن و تیره) تأثیر می‌گذارد. کنتراست تا اندازه زیادی با طیف رنگمایه موضوع مرتبط است و فرم آن را تعیین می‌کند. زمانی که کیفیت (جنس) نور، تند و شدید است، کنتراست بالاست و جهت نور می‌تواند برای تأکید کردن بر فرم

موضوع یا پنهان کردن آن استفاده شود.

اگر موضوع تان ثابت است، شاید مجبور شوید نقطه دیدتان را عوض کنید تا بیشترین استفاده را از نور موجود ببرید. قویترین تأثیرات سه بعدی معمولاً به واسطه نور از کنار به دست می آید، به واسطه نور در پشت دوربین (نور جلو)، جزئیات سوژه کمترین بافت و عمق را خواهد داشت، عکاسی با نوری که از پشت موضوع می تابد کنتراست بسیار بالایی ایجاد کرده، جزئیات را کم می کند و فرم سوژه را ساده جلوه می دهد.

گاهی ممکن است بتوانید نقطه دید دلخواهتان را انتخاب کنید و بعد ببینید جهت نور و کیفیت آن مناسب نیست، در این صورت آن را تغییر دهید و به سمتی ببرید که بهتر است. ساعت روز و شرایط آب و هوایی، بیشترین تأثیر را بر جهت و کیفیت نور طبیعی می گذارند. در عمل باید بهترین نقطه دید و مناسبترین وضعیت نور را انتخاب کنید تا موضوع شما هر چه بهتر در عکس خودنمایی کند.

جهت و شکل نور: (تصاویر ۱-۴ الف و ب) دقیقاً از یک نقطه دید عکاسی شده اند اما در ساعات مختلف روز، این عکس ها نشان می دهند که چگونه جهت نور، شکل ظاهری را تغییر می دهد.



الف



ب

تصویر ۱-۴

تصویر ۱-۴ الف در صبح زود زمانی که خورشید، نور تندی را مستقیماً از پشت دوربین تولید می کرده گرفته شده است. همه سطوح ساختمان به یک نسبت نور دیده اند و جزئیات به نسبت خوب هستند. اما شکل ساختمان ناواضح و مبهم بوده و زوایای راست سطوح را به سختی می توان از هم متمایز کرد.

در تصویر ۱-۴ ب نور شدید خورشید محسوس است اما این تصویر در بعدازظهر گرفته شده که خورشید پایین است و در سمت چپ دوربین قرار دارد. جهت نور به شدت سطوح جلویی و کناری را از برجها جدا کرده و شکل پنجرهها کاملاً مشخص است. به طور کلی، کل ساختمان عمق و روح بیشتری دارد اما جزئیات به واسطه سایه های تند، محو شده اند.

ضد نوراً کنتراست شدید: تصویر ۴-۱۱ در حالی گرفته شده که مستقیماً به سمت خورشید

در حال غروب است به طوری که کنتراست بسیار شدید است و ویرانه‌ها به صورت ضدنور (سیلوئت) و دوبعدی جلوه کرده‌اند. فرم‌های ظریف پنجره‌ها با این نور مورد تأکید قرار گرفته اما بقیه جزئیات از بین



رفته‌اند. برای زیاد کردن کنتراست، نقطه دید طوری انتخاب شده که تنها کمی از نور خورشید در عکس تالو ایجاد کند. این امر اجزای تصویر را مورد تأکید قرار داده و حس دراماتیک به آن افزوده است.

تصویر ۴-۱۱

استفاده از کنتراست بالا (High contrast): تصویر ۴-۱۲ نشان می‌دهد که چگونه یک

پرتره می‌تواند از طریق کنترل کنتراست در آن، ساده شود. این تصویر در محیطی بسته عکاسی شده است.



تصویر ۴-۱۲

استفاده از کنتراست پایین (Low contrast): تصویر دخترک (تصویر ۴-۱۳) نیز به همین

گونه نورپردازی شده است یعنی با نور نرمی که از پنجره به یک سمت تابیده است. اما در این جا محیط روشن اطراف (مانند کتاب‌های روی میز) نور بخشی را بر روی مناطق سایه پراکنده و منعکس کرده‌اند.



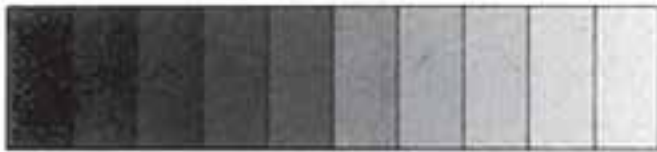
تصویر ۴-۱۳

در نتیجه جزئیات دقیقی مخصوصاً بر روی صورت دخترک نشان داده شده است. زمانی که می‌خواهید کنتراست را در عکاسی نمای نزدیک کم کنید، صفحه سفید یا پارچه‌ای سفید را نزدیک دوربین بگیرید تا بر روی مناطق سایه، نوری را منعکس کنند. در مواقعی که در محیط بیرون عکاسی می‌کنید، آسمان ابری، ساختمان و یا حصار می‌توانند تأثیرات مشابهی بر روی کنتراست داشته باشند.

استفاده از ویژگی‌های موضوع / رنگ‌مایه‌ها (Tone)

بیشتر موضوع‌ها شامل رنگ‌مایه‌های بسیاری از سیاه و سفید هستند. این طیف سایه روشن به واسطه عواملی چون نورپردازی، ویژگی انعکاسی موادی که در سوژه به کار رفته یا از آن تشکیل شده و رنگ سوژه تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر می‌کند. (تصویر ۴-۱۴) سایه روشن یا رنگ‌مایه‌های موضوع ممکن است به شدت تغییر کند مانند عکس صخره‌ها و دریا در تصویر ۴-۱۵ یا تنها کمی تغییر کند مانند منظره دریاچه کنار آن. (تصویر ۴-۱۶)

با ارزش‌ترین عملکرد رنگ‌مایه‌ها، ایجاد حجم و فرم در موضوع است که باعث ایجاد حس سه‌بعدی در تصاویر می‌شود.



تصویر ۴-۱۴



تصویر ۱۶-۴



تصویر ۱۵-۴

یک موضوع ممکن است تمام طیف رنگمایه از سیاه تا سفید را دربر داشته باشد یا بیشتر رنگمایه‌های کمرنگ (Low key) یا تیره (High key) را داشته باشد؛ حتی ممکن است به خاطر رنگمایه‌هایی که فقط به سیاه و سفید محدودند، بسیار پرکنتراست باشد. تصاویر High Key و Low Key هر دو حس و حال خاصی را در عکس ایجاد می‌کنند. Low key حس ظرافت و ابهام را و High Key حس جدی بودن را ایجاد می‌کند. تصاویر پرکنتراست معمولاً حس قدرت و هیجان را برمی‌انگیزند بنابراین کنتراست می‌تواند باعث تأکید بیشتر بر روی عناصر تصویر شود. رنگمایه‌ها می‌توانند از طریق نوردهی در هنگام عکاسی و همچنین در مرحله ویرایش عکس کنترل شوند.

طیف سایه روشن یا رنگ‌مایه: شما می‌توانید طیف کاملی از رنگمایه‌ها را با بریدن و کنار هم قرار دادن مناطق کوچکی از عکس‌ها خلق کنید. در یک سر این نمودار، سیاه و خاکستری تیره قرار دارد و همین‌طور به سمت خاکستری‌های روشن‌تر و سفید پیش می‌رود. یک عکس ممکن است از همه طیف‌ها یا فقط برخی از ارزش‌های سایه روشن استفاده کند. برای مثال عکس صخره‌ها و دریا بیشتر از تن‌های تیره با کنتراست بالا استفاده کرده در حالی که عکس دریا از رنگمایه‌های روشن بهره برده است.

نوردهی و چاپ تأثیر زیادی در طیف سایه روشن و تصویر نهایی دارد. نوردهی بیشترین و مستقیم‌ترین تأثیر را بر رنگمایه دارد. اگر نورسنجی را از محل‌های روشن سوژه انجام دهید،

رنگمایه‌های تیره با هم ترکیب شده و جزئیات را می‌پوشانند و بالعکس. اگر می‌خواهید بیشتر رنگمایه‌ها را در تصویر داشته باشید باید نورسنجی را از روشن‌ترین و تیره‌ترین نقاط موضوع انجام دهید و میانگین آن را محاسبه کنید.

تأکید از طریق کنتراست: درها، پنجره‌ها و دروازه‌ها اغلب حتی در نور نرم نیز سایه‌های عمیقی ایجاد می‌کنند. این امر ممکن است پیش زمینه یا قاب پرکنتراستی را ایجاد کند که باعث تأکید بر روی سوژه می‌شود مثل تصویر صفحه قبل که بقیه نواحی تصویر رنگمایه‌ای خنثی از خاکستری دارند.

High Key: این تصاویر فضایی رازآلود و مبهم در خود دارند. در این‌گونه تصاویر رنگمایه‌های تیره غالب بوده و فقط بخش‌های کوچکی از تصویر روشن هستند.

Low key: در این‌گونه تصاویر رنگمایه‌های روشن بیشترین بخش را تشکیل داده و باعث ایجاد حس سبکی، نرمی و آرامش در عکس می‌شوند. منظره بالا تن‌های ملایم را از انتهای طیف سایه روشن در خود دارد که حس فضا و نرمی ایجاد کرده است.

پرتنه‌های Low key: جو گرفته و رازآلود پرتنه تصویر ۱۷-۴ به خاطر تن‌های تیره غالب در آن است. انتخاب و قرارگیری لباس، پیش‌زمینه کم نور و نوردهی همگی به این کمک کرده‌اند که جزئیات به صورت محدود شوند. در این قسمت‌ها، فرم به‌خوبی خودش را نشان داده و به پرتنه شخصیت و فردیت بخشیده است. با این که بدن اصلی تبدیل به ناحیه‌ای تیره شده، اما هنوز از پیش زمینه جدا و قابل تشخیص است.



تصویر ۱۷-۴

بافت (Texture)

ویژگی‌های سطح یک موضوع به وسیله بافت مشخص می‌شود. بافت می‌تواند برای واقعی کردن و شخصیت دادن به موضوع استفاده شود و ممکن است خودش به موضوع تصویر شکل بخشیده و فرم دهد. این اتفاق گاهی با نزدیک شدن به موضوع و عکاسی کلوزآپ به دست می‌آید و یا با فاصله گرفتن و دور شدن از سوژه تا جایی که نواحی بزرگ تصویر درهم ترکیب شده و بافت خاصی را خلق کنند. اگر به عنوان عنصری جانبی استفاده شود، می‌تواند به سوژه اصلی، قدرت و توانایی ببخشد مانند پرتره زیر.

کیفیت و جهت نور از مهمترین عوامل در پیدایش بافت در تصویر هستند. این دو عامل طیف وسیعی از رنگمایه‌ها را ارائه می‌دهند.

بافت و نور (Texture and light): نور خورشیدی که زاویه‌دار بوده و تند و شدید است بر روی بافت فرسوده و آفتاب خورده در تصویر ۴-۱۸ تأثیر گذاشته و بر آن تأکید می‌کند. سطوح بافت

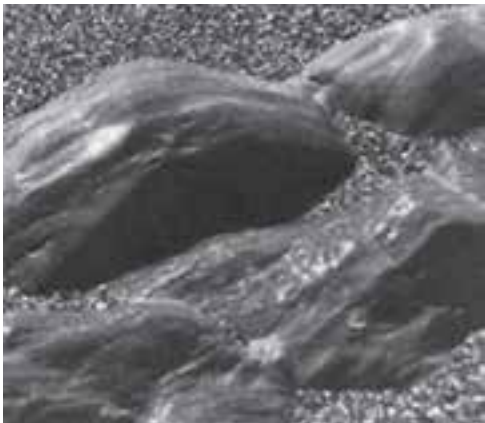


تصویر ۴-۱۸

داری که بیشتر بر روی یک سطح قرار گرفته‌اند اغلب به‌واسطه نور شدید و مایل برجسته‌تر می‌شوند.

بافت پوست: بافت چروکیده مرد در تصویر ۴-۱۷ به پرتره، شخصیتی قوی و جذاب بخشیده. مرد در سایه قرار داده شده تا نور نرم و منعکس شده به صورت یکنواخت بر صورتش بتابد و از سایه‌های عمیق و گود در صورتش جلوگیری شود.

بافت‌های ترکیبی: در (تصویر ۴-۱۹) دو بافت بسیار متفاوت باهم ترکیب شده‌اند. بافت سنگریزه‌ها و صخره‌های خیس و نرم از طریق نور شدید خورشید که از پشت سوژه‌ها می‌تابد، به‌دست آمده‌اند.



تصویر ۴-۱۹

خط (Line)

خط در ساختمان یک تصویر، بسیار مهم است چرا که به تصویر ساختار بخشیده و به آن نظم می‌دهد. خط می‌تواند ترکیب‌بندی تصویر را از بخشی به بخش دیگر هدایت کند و توجه‌تان را به بخش جذاب تصویر جلب کند یا چشمانتان را به سوی دوردست‌ها بکشاند. می‌تواند برای جدا کردن بخش‌های تصویرتان مورد استفاده قرار گیرد یا از طریق تکرار می‌تواند نقش یا طرح ایجاد کند. خط می‌تواند از طریق ژرف‌نمایی یا پرسپکتیو خطی حس عمق ایجاد کند.

ترتیب کلی خطوط در تصویر می‌تواند ایجاد ضرب‌آهنگ نماید. به‌طور مثال عکس جاده در سمت راست با خط مایلی که در آن دارد حس حرکت را به بیننده منتقل می‌کند که این با خطوط عمودی افقی و ثابتی که در تصویر زیر می‌بینیم بسیار متمایز است. به‌طور کلی، خطوط زاویه‌دار، منحنی و کروی حس حرکت و هیجان ایجاد می‌کنند. خطوط عمودی و افقی که نشان از لبه‌های تصویر دارند برای ترکیب‌بندی‌های ثابت و بی‌تحرك استفاده می‌شوند. همچنین، تصاویر عمودی بر خطوط عمودی تأکید می‌کند و تصاویر افقی بر خطوط افقی.

خط تنها در اشکال اشیاء وجود ندارد بلکه می‌توان از طریق قرار دادن اشیای مختلف و چیدن آنها خط ایجاد کرد به‌طوری که به وسیله ارتباط این اشیاء با یکدیگر، خطوطی توسط بیننده مشاهده شوند. شما می‌توانید به سادگی از طریق تغییر دادن نقطه دیدتان، جهت خطوط را عوض کرده و بعضی از آنها را از هم جدا و برخی را به هم مرتبط کنید. خطوط افقی و عمودی از طریق چرخاندن و تغییر زاویه دوربین می‌توانند مایل جلوه کنند.

خطوط منحنی: از طریق خطوط منحنی در تصویر

۲۰-۴ می‌توان حس حرکت و جابه‌جایی‌ای ایجاد کرد که به لحاظ بصری بسیار خوشایند باشد. شکل خطوط در تصویر روبه‌رو به‌خاطر نوری است که از سطوح جاده منعکس شده و در مقابل محیط اطراف جاده که نور کمی داشته بیشتر به چشم می‌آید.



خطوط عمودی و افقی: قرار گرفتن دقیق خطوط در زوایای سمت راست یکدیگر به تصویر

۴-۲۱ حس سکون، بی‌حرکتی و نظم بخشیده است.



تصویر ۴-۲۱

طرح و نقش یا Pattern

طرح یا نقش به واسطه تکرار خطوط و اشکال به وجود می‌آید. طرح نیز مانند بافت می‌تواند در هر جایی یافت شود از مناطق شهری گرفته تا فرم‌های طبیعی. طرح‌ها گاهی می‌توانند موضوع اصلی تصویر را تشکیل دهند اما در بیشتر مواقع به عنوان عنصر دوم در تشکیل ترکیب بندی یا به وجود آوردن ریتم به کار می‌روند. حتی می‌توانند به سادگی برای جلب توجه بیننده به کار روند. زمانی که قرار است از طرح به عنوان عنصر جانبی استفاده کنیم باید با دقت عمل کنیم چرا که گاهی ممکن است باعث ایجاد آشفتگی یا ابهام در موضوع اصلی یا غلبه بر آن شود.

زمانی که از طرح استفاده می‌کنیم، مهم است که کمی تنوع در آن به کار ببریم تا عناصر تکراری باعث یکنواختی تصویر نشوند. گاهی می‌توانید از طریق ترکیب طرح‌های کاملاً متفاوت با یکدیگر، در ترکیب بندی تصویر تنوع ایجاد کنید.

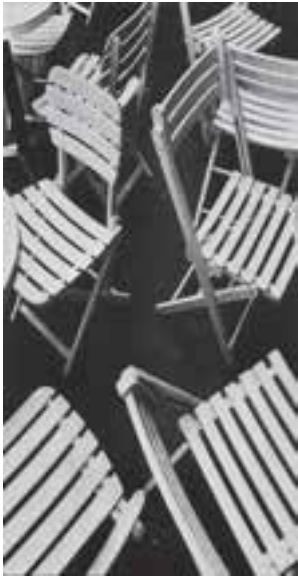
هیچ قاعده‌ای برای این وجود ندارد که بتوانیم طرح‌ها را به بهترین نحو نورپردازی کنیم اما به‌طور کلی می‌توانیم با رنگ‌های پرکنتراست و پنهان کردن جنبه‌های دیگر موضوع اصلی مانند بافت و فرم، آنها را بیشتر نمایان کنیم. تنوع در کیفیت نورپردازی و جهت نور باعث تغییر طرح‌ها و نقش‌ها می‌شود.

کادربندی و نقطه دید می‌توانند برای شدت بخشیدن به تأثیرات طرح‌ها در تصویر کمک کنند. گاهی تصویر کلوزآپ بخشی از یک طرح، تأثیر بیشتری می‌گذارد چرا که جزئیات مزاحم و چیزهای

اطراف حذف شده‌اند. اگر تمام قاب تصویر با طرح‌ها پر شوند، تأثیر کلی قدرتمندتری را بر بیننده می‌گذارد.

طرح‌های ترکیبی: تصویر ۴-۲۲ دو طرح را با هم ترکیب

کرده طرح‌های موازی موجود در صندلی‌ها و طرز قرارگیری خود صندلی‌ها که با زاویه‌های مختلف قرار گرفته‌اند. نقطه دید بالا انتخاب شده است تا صندلی‌ها کادر تصویر را در مقابل پیش زمینه پرکنتر است و مسطح آن پر کنند. نور روز که نرم و یکنواخت است ایده‌آل به نظر می‌رسد چرا که نور شدید باعث به وجود آوردن سایه‌هایی می‌شد که موجب پیچیدگی و به هم ریختگی خطوط می‌گردید. نورسنجی هم از صندلی‌ها و هم از زمین انجام شده و سپس میانگین آن به کار گرفته شده است.



تصویر ۴-۲۲

طرح‌های سایه‌ها: در روز روشن که نور خورشید بسیار شدید است، سایه‌های

جذابی ایجاد می‌کنند. تصویر نرده‌ها در تصویر ۴-۲۳ که در بعدازظهر گرفته شده از بالا عکاسی شده تا از تقارن، نظم و تکرارهای منظم جلوگیری به عمل آید. پرسپکتیو تندی که به واسطه نرده‌ها به وجود آمده، عکس را از تخت شدن به خاطر سایه‌ها نجات داده است. نورسنجی از پیاده‌رو روشن انجام شده تا سایه‌ها به صورت تیره و بی‌شکلی درآیند و به نظر برسد که خود را به نرده‌ها چسبانده‌اند.



تصویر ۴-۲۳

طرح‌های ترکیبی : محل‌های ساختمان‌سازی اغلب مکان‌های خوبی برای یافتن طرح‌ها

هستند. طرح‌های منظم و شکل‌داری که در ساختمان‌های موجود در پس‌زمینه تصویر پایین دیده می‌شوند، با طرح‌های نامنظمی که در بلوک‌های موجود در پیش‌زمینه قرار دارند کاملاً در تضاد و از هم متمایز هستند. برای این که به تأثیر آنها بیافزاییم، نورپردازی مربع روی نقطه دید طرح‌ها را به هم فشرده کرده و به سطوحی ساده و مسطح بدل کرده‌اند. (تصویر ۲۴-۴)



تصویر ۲۴-۴



تصویر ۲۵-۴

طرح‌های انسانی : طرح‌های بسیار متنوع و

جذابی می‌توانند از طریق یک انسان یا گروهی از مردم به دست آیند اما زمانی که سوژه‌ها نایستاده‌اند و ژست نگرفته‌اند، ثبت آنها بر روی فیلم بسیار سخت است. در (تصویر ۲۵-۴) نقطه دید دوربین، عاملی مهم و حیاتی در ثبت لحظه‌ای است که از طریق سه سر ایجاد شده است (یعنی فقط در یک لحظه این طرح ایجاد شده که آن را هم دوربین ثبت کرده). به راست یا چپ رفتن دوربین باعث از دست رفتن خطوط تکرار شده سه سر می‌شد.

طرح‌های موجود در مناظر : طرح ریتم‌دار و ساده‌ای به واسطه شیارهای برف در منظره

تصویر ۲۶-۴ ایجاد شده است. طرح ایجاد شده توسط شیارهای برف می‌توانست به تنهایی اصلاً جذاب نبوده و کسل‌کننده جلوه کند اما از آن‌جا که تنها بخشی از ترکیب‌بندی تصویر است، جذاب می‌نماید. اشکال ظریف درختان و منطقه وسیعی از آسمان که رنگمایه‌های کمرنگ را در خود دارد در مقابل خطوطی قرار گرفته‌اند که به واسطه طرح‌های تصویر، قدرتمند و جذاب جلوه می‌کنند.



تصویر ۲۶-۴

شکل یا Shape

شکل در ساختار تصویر، عنصری اساسی است به‌طور کلی اولین چیزی است که با آن اشیاء را تشخیص می‌دهیم و به واسطه آن، ساختار اصلی اکثر ترکیب‌بندی‌ها تشکیل می‌شود.

شکل، عنصری دوبعدی است، هرچند نورپردازی و طیف رنگمایه‌ای که به واسطه آن به‌وجود می‌آید می‌تواند به آن ویژگی یا فرم سه‌بعدی دهد. نورپردازی همچنین می‌تواند به فرم آسیب بزند یا از طریق ایجاد سایه‌های تیره، چند شکل را به یک شکل تبدیل کند.

شکل‌ها می‌توانند از طریق قرار دادن آن‌ها در مقابل پس‌زمینه‌ای ساده که به لحاظ رنگ‌مایه با آنها متفاوت باشد (مانند آسمان)، تقویت شده و بیشتر جلوه کنند. بارزترین و افراطی‌ترین نمونه این موضوع را می‌توان در عکس‌های ضدنور یا سیلوئت‌ها یافت، یعنی جایی که شکل موردنظر به واسطه از بین رفتن ویژگی‌های دیگرش مانند بافت و فرم، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

اگر موضوع شما از اشکال قدرتمندی برخوردار است سعی کنید طوری بایستید و کادربندی

کنید که به خوبی باهم ترکیب یا در هم ادغام شوند. این امر از روی هم قرار گرفتن آنها جلوگیری کرده و ضرب آهنگ یا ریتم یا جریان را به وجود می‌آورد که به بیننده کمک می‌کند تا تصویر را کشف کند. مانند آنچه در صفحه مقابل توضیح داده می‌شود.

شکل و رنگ‌مایه: یکی از راه‌های شدت بخشیدن و بهتر جلوه دادن اشکال، قرار دادن آنها در مقابل پس‌زمینه‌ای ساده است. زاویه دید در (تصویر ۲۷-۴) دو شکل چادر و آدم را مهم جلوه داده و ترکیب‌بندی متوازن و جذابی را ارائه داده است.



تصویر ۲۷-۴

شکل و ضرب آهنگ یا ریتم: جریان پر قدرت آب بر روی پله‌های تصویر ۲۸-۴ ساختار انتزاعی قدرتمندی را ارائه داده است. با انتخاب موقعیت دوربین به نحوی که انعکاس‌های سفید آسمان در آب را ثبت کند، خطوط پر قدرت آب، شکل به‌خصوصی را به خود گرفته‌اند و کنتراست خوبی به لحاظ درجات خاکستری نیز ایجاد شده است.



تصویر ۲۸-۴

شکل و انعکاس: تصاویر آینه‌ای ایجاد شده بر روی آب ثابت می‌توانند برای مضاعف کردن

توده‌های اشکالی استفاده شوند که خود باعث ایجاد خطوطی جدید می‌شوند. شکل و خطوط کوه‌ها در (تصویر ۲۹-۴) از طریق کم‌نوردهی عمودی، مشخص‌تر شده‌اند. نورسنجی از نواحی روشن روی دریاچه انجام شده تا نقاط تیره بدون جزئیات ثبت شوند و با انعکاس‌شان ترکیب شوند که این امر شکل خاص و تأثیرگذاری را موجب می‌شود. آسمان که رنگ‌مایه روشن‌تری دارد به همراه چند صخره که سطح آب را شکافته‌اند، باعث شده‌اند تقارن در تصویر از بین برود.



تصویر ۲۹-۴

کادربندی با خط و شکل: خط و شکل هر دو می‌توانند چشمان بیننده را به سوی موضوع

اصلی جلب کنند. تصاویر ضعیف اغلب یا مرکز ندارند و یا خطوط و اشکال غالبی در خود دارند که چشم بیننده را از سوژه اصلی دور می‌کند.

اشکال می‌توانند به سادگی با قرار دادن موضوع اصلی در کادری دیگر، چشم بیننده را جذب کنند مثلاً با عکاسی از داخل پنجره یا از درون در می‌توان کادری درون کادر تصویر ایجاد کرد و توجه بیننده را جلب کرد. به این ترتیب اشکال درون قاب، جدا شده و مورد تأکید قرار می‌گیرند. بهترین حالت زمانی است که قاب با محتوای تصویر همخوانی داشته باشد مثلاً ساختمانی که از داخل در ورودی حیاطش عکاسی می‌شود. اما در هر حال می‌توانید از هر چیزی به عنوان قاب یا کادر برای موضوع اصلی‌تان - درختان، ساختارهای دست بشر و حتی آدم‌ها - استفاده کنید. کادر خود تصویرتان نیز خودش یک شکل است که اشکال مستطیلی که در آن قرار دارد را تداعی و تکرار می‌کند. اشکال کروی داخل تصویر چون در تقابل با این کادر هندسی قرار می‌گیرند، بیشتر خود را نشان می‌دهند.

قاب و مدخل یا نقطه ورودی (Lead in): نقطه دید در تصویر ۳-۴ از اشکال

صخره‌ها برای ایجاد قاب و نقطه ورودی مرتبط با شکل کوچک کوهنورد در پس زمینه استفاده کرده است. طیف وسیع رنگمایه‌ها در صخره‌ها، به آنها فرم و بافت بخشیده است.



تصویر ۴-۳۰



تصویر ۴-۳۱

دو فرد کتابخوان در تصویر ۴-۳۱ از جزئیات ناخواسته تصویر جدا شده‌اند و این به خاطر نقطه دید از بالا به پایین و پله‌های کروی شکلی است که برای آنها قابی درست کرده و چشم را به سوی آنها متمرکز می‌کند. دو بار نورسنجی انجام شده یک بار برای پله‌ها و بار دیگر برای میز که میانگین آنها، نورسنجی نهایی است. برای این که کادربندی دقیق و درست انجام شود، دوربینی که خطای پارالکس ندارد، لازم است.

عکس‌العمل یا پاسخ به یک اتفاق

نورپردازی: همیشه مطمئن شوید که نورپردازی‌تان به پیشرفت و تقویت بخشیدن به سوژه‌تان کمک می‌کند. گاهی بهتر است برای شرایط مختلف آب و هوایی صبر کنید و یا منتظر زمان خاصی از روز شوید. تغییر نقطه دید باعث تغییر جهت و کیفیت نور بر روی سوژه‌تان می‌شود.

بافت: شرایط نوری همیشه مهمترین امر در پیدایش بافت در تصویرتان می‌شود. دقت کنید که بافت قوی، باعث به هم ریختن ترکیب‌بندی عکس شما نشود.

خط: خط همان‌طور که در عکس وسط در زیر دیده می‌شود، عنصری قوی و مهم را در تصویر تشکیل می‌دهد که می‌تواند از طریق نقطه دید، مورد تأکید قرار گیرد یا از اهمیتش کاسته شود.

شکل یا Shape: نورپردازی در شکل ایجاد شده در عکس بسیار مهم است. نور می‌تواند از جزئیات غیرلازم بکاهد و اشکال مهم موجود در ترکیب‌بندی را تقویت کرده و مهمتر جلوه دهد.

رنگ‌مایه: طیف رنگ‌مایه، فرم و عمق تصویر را مورد تأثیر قرار می‌دهد. همچنین می‌تواند برای ایجاد فضا و حال و هوا یا نشان دادن جزئیات به طرز دقیق، استفاده شود.

پاسخ یا عکس‌العمل به یک اتفاق: موقعیت‌ها یا اتفاقات جذاب، اغلب کوتاه و تکرارنشده‌نی هستند. اگر امکان داشت، سعی کنید در این مواقع از قبل ترکیب‌بندی‌تان را در نظر بگیرید و بر روی سوژه موردنظرتان فوکوس کنید. (تصویر ۳۲-۴)

طرح یا نقش: نقش یا طرح می‌تواند در ترکیب‌بندی تصویر ضرب‌آهنگ یا نظم ایجاد کند. یک وقفه در نقوش تصویر باعث انتقال نوعی آسودگی و راحتی به بیننده شده و کانون یا مرکز توجه را مشخص می‌کند.



تصویر ۳۲-۴

- تشابه و تفاوت عکاسی فیلمی و دیجیتال در چیست؟
- هریک از واژه‌های زیر را به اختصار تعریف کنید.
- کیفیت نور در عکس
- جهت نور در عکس
- رنگ‌مایه و کنتراست در عکس
- تصاویر High Key و Low Key در عکاسی
- انواع بافت در عکس
- Pattern یا نقش در عکس



ارزشیابی عملی

- از موضوعات گوناگون با توجه به انواع ترکیب‌بندی‌های اشاره شده در این فصل عکاسی کنید.
- در فضای High Key و Low Key عکاسی کرده و نتیجه را در کلاس مقایسه کنید.
- از چند نمونه بافت (نرم و درشت و ...) در شرایط نوری مختلف عکاسی کنید.
- از چند موضوع با تمرکز بر عنصر بصری «خط» عکاسی کنید.
- از چند موضوع با تمرکز بر عنصر بصری «سطح» عکاسی کنید.
- از چند موضوع با تمرکز بر عنصر بصری «شکل» عکاسی کنید.
- از چند موضوع با تمرکز بر نقوش موجود در مناظر طبیعت عکاسی کنید.